

آینده پژوهی استقلال کردستان عراق

احمد رضا توحیدی ۱

زهرا مهدوی ۲

فصلنامه پژوهش حقوق بین الملل معاصر، سال دوم، شماره ۱۱، بهار ۱۳۹۷

چکیده

کردها همواره سودای تشکیل کشوری مستقل را داشته‌اند از اینرو اقلیم کردستان عراق در سالهای اخیر بدنال عملی کردن برنامه‌اش برآمد، همه‌پرسی بعنوان مقدمه‌ای بر شکل قانونی دادن به خواسته جدایی است، اقلیم با اعلام برگزاری همه‌پرسی استقلال (۲۰۱۷) در مناطق کردنشین عراق به زعم خود در صدد احقاق حق تعیین سرنوشت شان برآمدند، علی‌رغم مغایرت برگزاری همه‌پرسی با قانون اساسی و اصول حقوق بین‌الملل برگزار شد و نهایتاً به نتیجه‌ای نیز نرسید، با وجود اینکه جدایی طلبی سابقه‌ای به قدمت تاریخ تشکیل دولتها دارد، در اسناد بین‌المللی این امر در قالب سرزمین‌های تحت استعمار، اشغال و رژیم‌های نژادپرست تصور شده است و از سویی حق تعیین سرنوشت که دارای دو بعد داخلی و خارجی است در بعد خارجی آن حتی بعنوان جدایی طلبی برای اقلیت‌ها در نظر گرفته نشده است؛ در تحقیق پیش روی در صدد بررسی این مطلب هستیم که با توجه به قواعد حقوق بین‌الملل و رویه دولتها در آینده امیدی به استقلال این منطقه می‌توان داشت یا خیر؟

واژگان کلیدی:

اقلیم کردستان، همه‌پرسی، آینده پژوهی، حق تعیین سرنوشت، جدایی طلبی.

مقدمه

عراق ک شورى با بافت جمعیتی نسبتاً متنوع است متشکل از عرب، کرد، ترکمن، آ شورى و...؛ زبان، فرهنگ و پوشش کردها متفاوت از اعراب است و در قسمت شمالی عراق ساکن هستند. تا زمان صدام کردها و ضعیت مساعدی در عراق نداشتند، اما پس از آن و روی کار آمدن حکومت جدید اقلیم کردستان به عنوان تنها واحد خودمختار عراق به حیات خود ادامه داد؛ اما با وجود خودمختاری اقلیم مسعود بارزانی، رهبر منطقه کردستان عراق در تلاش برای استقلال از کردستان است یکبار در سال ۲۰۰۵ همه‌پرسی استقلال در اقلیم برگزار شد که پس از مذاکره و گرفتن امتیازاتی از بغداد از اقدامات بعدی صرفنظر شد اما در سال ۲۰۱۷ بازهم بارزانی با استناد به حق تعیین سرنوشت دست به برگزاری همه‌پرسی استقلال زد.

پیشینه تلاش کردها برای استقلال به دهه‌های گذشته برمی‌گردد. کردها از زمان فروپاشی امپراتوری عثمانی خواستار ایجاد کشوری مستقل بودند و تاریخی پر تنش با بغداد را تجربه کرده‌اند. اما نقطه اصلی آغاز روند استقلال کردستان عراق به ابتدای دهه ۱۹۹۰ باز می‌گردد. پس از جنگ اول خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، کردستان عراق این اجازه را پیدا کرد که با توجه به فشاری که نیروهای ائتلاف آورده بودند، یک منطقه خودمختار که اکنون به عنوان اقلیم کردستان از آن یاد می‌شود، تشکیل دهند که اکنون یک حالت خودمختاری دارند؛ در این زمان کردها توانستند با بهره‌گیری از ضعف دولت عراق در نتیجه جنگ کویت و فشارها و تحریم‌های بین‌المللی و همچنین حمایت‌های آمریکا به تدریج به ایجاد منطقه خودمختار در شمال عراق مبادرت نمایند. سقوط حکومت صدام و تدوین قانون اساسی جدید باعث شد تا به کردهای عراق در قالب فدرالیسم اختیارات بالایی اعطا شود. اما به رغم اعطای اختیارات گسترده و بهره‌گیری کردها از امتیازات جدی، روابط اربیل با بغداد همواره با تنشهایی همراه بوده است و رهبران کرد در موارد متعدد به جدایی از عراق تهدید کرده‌اند.

از سویی جدایی طلبی به طرق مختلفی انجام می‌گیرد، اما آنچه در عراق شاهد هستیم از طریق همه‌پرسی است که نمودی مدرن دارد و اقلیم نیز بر همین اساس اقدام کرد.

۱. شرایط تاریخی ژئوپلیتیکی کردستان

نام کردستان از ترکیب دو واژه کرد و پسوند —ستان گرفته شده است که به معنی سرزمین کردها است. بنابر قانون اساسی عراق نام این منطقه (به زبان عربی: اقلیم کردستان) است. جمعیت کردها از نظر پنج کشوری که کردها را در خود جای داده‌اند امری سیاسی محسوب می‌شود و مستقیماً به امنیت این کشورها مرتبط می‌شود به همین دلیل این کشورها غالباً تلاش کرده‌اند مناطق کردنشین و کردها را در ایالات و اقوام ادغام کنند، و این مساله باعث شده است که آمار دقیقی از کردها وجود نداشته باشد (کردپور، ۱۳۸۴، ۱۱۳).

روند تاریخی مسائل مربوط به کردستان

مناطق کردنشین در اصل متعلق به ایران بودند اما با شکست ایران از عثمانی‌ها در جنگ چالدران، بخش اعظم آن (تمام نواحی کردنشین به جز کردستان ایران) به امپراطوری عثمانی واگذار شد. در سال ۱۵۱۴ دولت عثمانی موفق شد بخش بزرگی از مناطق کردنشین را با ایجاد یک ائتلاف سیاسی و نظامی با سران کرد که از بعضی از سیاست‌های صفویان، خصوصاً از تمایل آنان به تمرکزگرایی و شیعه‌سازی کردهای عمدتاً سنی ناراضی بودند به خاک خود ضمیمه کند (تیجل، ۱۳۹۵: ۱۰۴). در

سراسر دوره حکومت صفویه، کردها نقش حیاتی در کشمکش بین صفویان و عثمانیها ایفا کرده‌اند (مک داوول، ۸۱ : ۱۳۸۰)

با استمرار حکومت عثمانی، کردها پس از اندک زمانی پی بردند که سلاطین عثمانی به دنبال ترکیزه کردن اکراد جامعه خود هستند و بالاخص تلاش می کنند که کردها را از مذهب شافعی به مذهب حنفی در بیاورند. با این وجود حکومت عثمانی شاهد یک فرآیند سازمان یافته قیام کردی علیه خود نبودند زیرا کردها در آن دوران ساختاری بسیار پراکنده و متفرق داشتند.

در طی این سالها سه مقطع زمانی اهمیت دارد: ۱. اوایل دهه ۱۹۹۰ و پس از اعلام منطقه پرواز ممنوع در نواحی شمال عراق توسط دولت‌های ترکیه، فرانسه، انگلستان و آمریکا برای کمک‌های بشردوستانه به کردهای این نواحی، در واقع حاکمیت دوفاکتوی کردهای این مناطق به رسمیت شناخته شد.

پس از این اتفاق‌ها زمینه برای ابراز استقلال کردها در شمال عراق فراهم شد تا زمینه را برپا تصویب فدرالیسم در این منطقه ایجاد کند (Obalance, 1996: 189).

۲. در سال ۲۰۰۳ و پس از سقوط صدام، کردستان عراق از این موقعیت در جهت تحکیم و تثبیت جایگاه خود نزد دولت تازه مستقر شده استفاده کرد و توانست امتیازات اقتصادی و سیاسی قابل توجهی را کسب نماید.

۳. در سال ۲۰۱۴ و پس از هجوم ناگهانی داعش به اقلیم کردستان، این اقلیم به کمک ایران و آمریکا توانست داعش را عقب براند. این اقلیم پس از آن به اشغال نواحی اطراف اقلیم پرداخت و کرکوک را گرفت، نیروهای پیشمرگه در مناطقی از استان نینوا و تمیم مستقر شدند و قصد دارند این مناطق را به اقلیم کردستان ضمیمه نمایند.

با آغاز قرن ۲۱ هنوز مساله کردها بعنوان یکی از مسائل بغرنج منطقه باقی مانده است (Ozoglu, 2004, 1). با حمله آمریکا به عراق و اشغال این کشور موجب تحولات وسیع کردها در کسب امتیازات بیشتری از آمریکا و دولت مرکزی عراق در شرایط جدید شد. در واقع در دوره جدید، کردها برنده اصلی جنگ عراق هستند، زیرا آنها براساس قانون اساسی جدید، به دولت خودمختار کردستان جنبه مشروع و قانونی بخشیده‌اند، علاوه بر این برگزاری همه‌پرسی در کرکوک و احتمالاً الحاق آن به کردستان، استقلال اقتصادی را همراه با تصویب قانون نفت و تخصیص اختیارات به دولت محلی در زمینه استخراج، تولید یا صادرات نفت به آنان می‌دهد (موسی‌زاده، جاودانی مقدم، ۱۳۸۸، ۲۰۶).

از سویی ظهور داعش و تسلط آن بر بخشهای بزرگی از عراق به خصوص موصل به عنوان دومین شهر بزرگ این کشور باعث شد تا روند استقلال کردی و ادعاها و طرحهای رهبران کرد وارد مرحله جدید و متفاوتی شود. این تحول باعث شد تا کردها بر بیش از ۹۰ درصد مناطق مورد مناقشه ۳ سلط یافته و رهبران کرد با تاکید بر ناکارآمدی نظامی و سیاسی دولت مرکزی، از عراق قبل از موصل و عراق بعد از موصل سخن بگویند. با این حال تهدیدات ناشی از داعش برای کردهای عراق که از جمله در حضور داعش در نزدیکی اربیل تجلی یافت باعث شد تا رهبران کرد برای دو سال کمتر از استقلال و جدایی

۳. مناطق مورد منازعه تقریباً به ۷ درصد از خاک عراق اشاره دارد، که در مرزهای چهار استان - انبار، صلاح‌الدین، کرکوک و دیاله - قرار دارند و با سه استان تشکیل دهنده حکومت اقلیم کردستان (سلیمانیه، اربیل و دهوک) همجوار هستند.

یکجانبه سخن بگویند و بر جدایی در توافق با بغداد تاکید نمایند. اما در نهایت با تضعیف داعش و مهیا شدن نسبی شرایط، رهبران کرد عراق به رهبری مسعود بارزانی و به رغم عدم مشارکت جنبش تغییر و جماعت اسلامی برای اولین بار تاریخ مشخصی (۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷) را برای برگزاری همه پرسی اعلام کردند. هر چند دولتهای غربی از جمله آمریکا و اتحادیه اروپا، ایران و ترکیه و دولت مرکزی عراق با همه پرسی اعلام مخالفت کردند، اما این مخالفتها مانع برگزاری همه پرسی نشد. لازم به ذکر است یکبار در سال ۲۰۰۵ نیز این اقلیم رفراندومی برگزار گردید و علی رغم رای قاطع به جدایی از عراق، هیچ اتفاقی در زمینه جدایی کامل رخ نداد، ولی سبب شد تا مقامات کرد در مذاکرات خود با دولت مرکزی عراق، جایگاه بهتری بیابند و به همین واسطه حقوق خود را مطالبه نمایند.

نقشه سیاسی کردستان عراق

کردستان میان پنج دولت خاورمیانه‌ای یعنی ایران، سوریه، عراق و ارمنستان و میان چهار سازه تمدنی و فرهنگی، میان چهار فلات ایران، عربستان، آناتولی و قفقاز و در مسیر یک گذرگاه بین قاره‌ای آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته است (بوژ مهرانی، پوراسلامی، ۱۳۹۲: ۹۵). حکومت اقلیم کردستان بر چهار استان اربیل، سلیمانیه، دهوک و به تازگی استان حلبچه از استان سلیمانیه جدا و مستقل شده است و نیز قسمتهایی از استانهای نینوا و دیاله چیرگی دارد. همچنین حکومت کردستان درخواست پیوستن استان کرکوک و بخش‌های بزرگ‌تری از استانهای نینوا، دیاله و صلاح‌الدین را کرده است. پس از آنکه ارتش عراق اواسط ماه ژوئن سال ۲۰۱۴ به دنبال حملات گسترده شبه نظامیان داعش از شهر کرکوک خارج شد، نیروهای پیشمرگه حکومت اقلیم کردستان عراق کنترل این شهر نفت‌خیز را به دست گرفتند.

همه پرسی (رفراندوم)

رفراندوم به عنوان رای‌گیری مستقیم برای مشاوره یا تصمیم‌گیری در یک مسئله خاص تعریف شده است. اصطلاحات رفراندوم و برگزاری انتخابات بطور متناوب بکار برده می‌شود زیرا هر دو درباره رای در موضوع خاصی است، با این حال اصطلاح رفراندوم اکنون ترجیح داده می‌شود، و بطور معمول در نظام‌های دموکرات اعمال می‌شود. رفراندوم یک ابزار دموکراسی مستقیم محسوب می‌شود. رفراندوم در صورت لزوم از طریق قانون اساسی یا از سوی مقامات اجرایی یا توسط سازمان‌های بین‌المللی درخواست می‌شود. دولتها از رفراندوم برای اعمال حق تعیین سرنوشت داخلی استفاده می‌کنند (Beigbeder, 2011). در بسیاری موارد رفراندوم بعنوان عمل تعیین سرنوشت تلقی می‌شود (Gökhan Şen, 2015). (۲۳۶)

رفراندوم با اهداف گوناگونی همچون تصویب، اصلاح یا لغو قانون اساسی، تصویب یک معاهده بین‌المللی، ادعای قلمرو جدید، چچدا شدن از قلمرو یک کشور، تایید دغام دو کشور و.. باشد (Ibid). از دید حقوق بین‌الملل تصمیم به برگزاری و یا عدم برگزاری همه پرسی و هرگونه نظرخواهی عمومی دیگری در مورد جدایی یا استقلال در چارچوب حقوق داخلی دولتها قرار داشته و حقوق بین‌الملل نسبت به قانونی بودن آنها اظهار نظری ندارد (Ibid). برگزاری رفراندوم به تنهایی (بدون اعلام بیانیه‌ی استقلالی مانند مورد کوزوو) از موضوعات تحت صلاحیت حقوق بین‌الملل نیست. قانونی بودن و یا نبودن آن در این مرحله، تنها می‌تواند در سطح حقوق داخلی عراق مورد بررسی قرار بگیرد و ارتباط مستقیم دارد با قانون اساسی عراق و اینکه

رابطه این اقلیم خودمختار با دولت مرکزی چگونه تعریف شده است. به زبان ساده تر، انتخاباتی برگزار شده که در آن از مردم منطقه پرسیده شده آیا به جدایی اقلیم و دیگر مناطق کرد نشین از عراق رضایت دارند و یا خیر؟ در مورد قانونی بودن و یا نبودن آن، تنها دولت عراق است که می تواند نظر بدهد. حقوق بین الملل تنها می تواند در قالب شورای امنیت سازمان ملل، در صورتی که تشخیص بدهد، صالح است که بررسی کند این انتخابات وضعیتی است که تهدیدی علیه صلح و امنیت منطقه تلقی می شود و یا خیر؟ و بر این اساس، طبق منشور ملل متحد، تصمیمات لازم را بگیرد (کردونی، ۱۳۹۶). مصداق دیگری از همه پرسی در سالهای اخیر و ارتباطش با قانون داخلی مورد کریمه است که باعث واکنش های بین المللی فراوانی نیز شد؛ اصل ۷۳ قانون اساسی اوکراین بیان می دارد: «تصمیم گیری در مورد تغییرات در تمامیت ارضی اوکراین بطور انحصاری توسط همه پرسی از تمام مردم اوکراین خواهد بود». بنابراین همه پرسی که در شبه جزیره کریمه برای جدایی از اوکراین برگزار شد، نه به لحاظ مقررات و عرف بین المللی و نه بر اساس قوانین داخلی اوکراین، توجیه حقوقی نداشت (جمالی، خامسی پور، ۱۳۹۴، ۵۵). از اینرو شورای امنیت قطعنامه ای در وضعیت کریمه تهیه کرد که توسط روسیه وتو شد. مجمع عمومی سازمان ملل همه پرسی و الحاق را نپذیرفت (جمالی، خامسی پور، ۱۳۹۴، ۲۹).

حقوق بین الملل موضوعه، حق گروه های ملی برای جدا شدن از دولت موجود را به صرف تمایل آنها به رسمیت نمی شناسد. وجود یا عدم وجود حق بخشی از مردم یک کشور که از طریق همه پرسی و یا دیگر وسایل بتوانند آینده سیاسی خود را تعیین کنند تنها در اختیار دولتهای متبوع آنهاست (Cassese, 1995, 28-29).

۳. جدایی طلبی

جدایی، ایجاد موجودیتی مستقل از طریق تفکیک بخشی از سرزمین و جمعیت، از دولت موجود است، بدون آنکه رضایت دولت مادر نسبت به این تفکیک وجود داشته باشد (حدادی، کریمی، ۱۳۹۴، ۷۱۶).

دو نوع جدایی داریم: ۱. جدایی طلبی یکجانبه: در این نوع جدایی طلبی گروه های جدایی که خواهان جدایی طلبی هستند در این مرحله صرف نظر از علت و دلیل جدایی به طور مستقیم و توری قاهرانه خواهان جدایی هستند. بهترین مثال ها برای این نوع جدایی طلبی های کریمه و کوزوو است. ۲- جدایی طلبی با رضایت: که با رضایت کشور مادر است (حمیدی، ۱۳۹۴). مانند درخواست جدایی اسکاتلند.

در خصوص مفهوم جدایی با دو قاعده مواجه هستیم که در ظاهر با یکدیگر تعارض دارند: اصل احترام به تمامیت ارضی کشورها و حق تعیین سرنوشت مردم. در این شکی نیست که اصل احترام به تمامیت ارضی سابقه زمانی نسبت به حق تعیین سرنوشت دارد (ضیایی، ۱۳۹۰، ۲۴۳).

جدایی یکجانبه

آنچه به بحث اقلیم مربوط است جدایی یکجانبه است زیرا که بدون رضایت دولت مرکزی است. در لوایح دولتها در قضیه رای مشورتی کوزوو، سه رهیافت و دیدگاه در خصوص جایگاه حق تعیین سرنوشت خارجی در زمینه غیر استعماری مطرح گردید:

۱. گروهی از دولتها (کشورهای آسیایی، آفریقایی و برخی از دولتهای اروپایی) بر این اعتقاد بودند که خارج از وضعیت استعماری، هیچ‌گونه حقی برای جدایی یکجانبه گروه‌های قومی وجود ندارد و حقوق بین‌الملل معاصر بنا به اصول حاکمیت و تمامیت اضی هرگونه تلاش یکجانبه برای تجزیه دولتها را نامشروع می‌داند. این گروه نظریه خود را عموماً با دلایل و استناداتی توجیه نمودند که تمامی این استدلال‌ها را می‌توان در چند محور خلاصه کرد: الف. مغایرت جدایی یکجانبه با اصول حاکمیت و تمامیت ارضی دولتها. ب. اصل حق تعیین سرنوشت به معنای ایجاد حق جدایی در زمینه‌های غیراستعماری نیست. ج. عدم پذیرش جدایی یکجانبه در قطعنامه‌های مختلف سازمان ملل (عزیزی، ۱۳۸۸، ۱۳۶). ۲. از سوی دیگر برخی دیگر از دولتها (عموماً کشورهای غربی و آمریکا) بر این اعتقاد بودند که در حقوق بین‌الملل معاصر هیچ‌گونه حکمی مبنی بر ممنوعیت جدایی یکجانبه وجود ندارد مگر اینکه موجودیت واحد تازه استقلال یافته ناشی از کاربرد غیرقانونی زور باشد. ۳. در رهیافت سوم، گروهی دیگر از دولتها (علاوه بر کشورهای غربی و آمریکایی) معتقد بودند که حقوق بین‌الملل علی‌الاصول جدایی یکجانبه را نامشروع می‌داند مگر اینکه اعلام جدایی و استقلال به موجب تئوری «جدایی چاره‌ساز» صورت پذیرد (عزیزی، ۱۳۸۸، ۱۳۳).

مبانی استدلالی هر یک از رویکردها

۱. نامشروع بودن جدایی یکجانبه در حقوق بین‌الملل: از بدو تشکیل دولتها از قرن ۱۸ تا کنون دولتها جدایی بخشی از سرزمین‌شان را قابل قبول ندانسته‌اند و همواره با آن مخالفت کرده‌اند. رای کمیسیون حقوق دانان جامعه ملل در خصوص جزایر الندهودید همین منظر است.

مجمع عمومی و شورای امنیت در قطعنامه‌های مختلف من جمله قطعنامه مشهور ۱۵۱۴ تحت عنوان اعلامیه اعطای استقلال به ملت‌ها و سرزمین‌های مستعمره، قطعنامه ۲۶۲۵ از این اصل به عنوانی مبنایی برای استعمار زدایی استفاده کرده است. بر اساس بند ۶ قطعنامه ۱۵۱۴: هیچ یک از بندهای این قطعنامه م شوق تجزیه یا خد شه‌دار کردن جزئی یا کلی تمامیت ارضی دول حاکم و مستقل که نمایندگی کل سرزمین خود را بدون تمایز از حیث نژاد، رنگ و پوست بعهدده دارند نخواهد پذیرفت. لزوم حفظ تمامیت سرزمینی در اسناد خاص حقوق اقلیت‌ها نیز مورد تاکید قرار گرفته است. بر این اساس در بند ۴ ماده ۸ بیانیه حقوق اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی یا زبانی م صوب مجمع ۱۹۹۲ پنجمین مقرر شده است که: هیچ حقی در این بیانیه به عنوان مجوز اقدام علیه اصول و اهداف منشور ملل متحد از جمله حاکمیت برابر، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولتها تصدیق نخواهد شد.

۵. این امر به درخواست ساکنین جزایر الند که سوئدی زبان هستند از کشور فنلاند است. مردم این جزایر در سال ۱۹۲۰ خواستار جدایی از کشور فنلاند و الحاق به سوئد شدند که با حمایت سوئد به اختلاف میان دو کشور منجر شد. این اختلاف در شورای جامعه مطرح شد و شورا کمیته‌ای را متشکل از سه حقوقدان مسئول بررسی و پاسخگویی به این سوال می‌کند و از کمیته سوال می‌کند که: آیا ساکنان جزایر الند مطابق قواعد حقوق بین‌الملل می‌توانند از فنلاند جدا شوند و به کشور سوئد بپیوندند؟

⊗ A/Res/1514. (14 December 1960), Declaration on the Granting of Independence to Colonial Countries and Peoples.

∨ A/RES/25/2625 (24 October 1970), Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Co-operation among States in accordance with the Charter of the United Nations.

⋈ A/RES/47/135 (18 December 1992), Declaration on the Rights of Persons Belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities.

حق تعیین سرنوشت، علاوه بر اینکه به عنوان یکی از اصول سازمان ملل متحد پذیرفته شده است در میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی و حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در زمره حقوق اساسی بشر قرار گرفته است. در این اسناد حق تعیین سرنوشت در قالب عبارتی کلی و تفسیر بردار بیان شده و حدود ثغور و ابعاد دقیق آن کاملاً مشخص نیست اما در عمل شاهد بودیم که حق تعیین سرنوشت به عنوان مبنای حقوقی استعمارزدایی و مقابله با تبعیض نژادی مورد استناد واقع شد. دیوان بین‌المللی دادگستری که رکن قضایی سازمان ملل است نیز اصل تعیین سرنوشت ملت‌ها را از اصول مسلم حقوق بین‌الملل عرفی در نظریه‌های مشورتی خود در سال‌های ۱۹۷۱ راجع به وضعیت نامبیا (۱۹۷۵) راجع به صحرای غربی،^{۱۲} مرتبط با روند استعمارزدایی و سرزمین‌های فاقد حاکمیت به رسمیت شناخته است. همچنین در سال ۱۹۹۵ در جریان قضیه تیمور شرقی^{۱۳} دیوان آن را از مصادیق سرزمین‌های فاقد حاکمیت دانسته که مردم آن از حق تعیین سرنوشت برخوردارند. آخرین مثال زنده در تایید این دیدگاه قضیه کریمه است که روسیه با استناد به همه پرسی استقلال کریمه آن را از اوکراین جدا کرد اما سازمان ملل صریحاً نتیجه این همه پرسی را رد کرد بنابراین در رویه سازمان ملل جدای خاک یک کشور از طریق همه پرسی یکجانبه قومی در جایی که تبعیض نژادی و نسل کشی وجود ندارد مردود است (سیفی قره یتاق، ۱۳۹۶).

از نظر کرافورد در حقوق بین الملل هیچ شناسایی حق جدایی طلبی یکجانبه صورت نگرفته است و گروه‌های قومی نمی‌توانند با استناد به حقوق بین الملل به طور یکجانبه خواستار جدایی باشند. حتی اگر درخواست برای استقلال مستمر و قوی باشد این تنها حق دولت مرکزی است که چگونه به این درخواست پاسخ دهد به نظر کرافورد در جامعه بین‌المللی از ۱۹۴۵ سابقه ندارد که پاره از سرزمین یک دولت مستقر و حاکم قصد جدایی داشته باشد و سازمان ملل بر آن صحه بگذارد (Crawford, ۱۹۹۷).

۲. رهیافت دوم مجاز بودن جدای یکجانبه در حقوق بین‌الملل یا به عبارتی ممنوع نبودن؛ عدم ممنوعیت جدایی یکجانبه در حقوق بین‌الملل است. در این میان لازم است به این نکته اشاره کنیم که مجاز بودن جدایی یکجانبه در حقوق بین‌الملل در این رهیافت به این معنا نیست که در حقوق بین‌الملل قاعده‌ای وجود دارد که خارج از وضعیت استعماری گروه جدایی طلب حق جدایی از کشور پیشین را اعطا کند بلکه مفهوم آن دقیقاً این است که جدایی یکجانبه در حقوق بین‌الملل ممنوع نیست و به تعبیری دیگر درست است که حقوق بین‌الملل مجوز جدا شدن یکجانبه را نمی‌دهد اما به این معنا و مفهوم هم نیست که جدا شدن را ممنوع کرده باشد.

۹ International Covenant on Civil and Political Rights 1966, UN. Doc. A/6316 (1966).

۱۰ International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, UN, G.A. Res. No 2200A (XXI) of 16 Dec. 1966

۱۱ ADVISORY OPINION OF ۲۱ JUNE ۱۹۷۱. SOUTH AFRICA IN NAMIBIA (SOUTH WEST AFRICA) NOTWITHSTANDING SECURITY COUNCIL RESOLUTION 276 (1970).

۱۲ Advisory Opinion of 16 October 1975, Western Sahara.

۱۳ Judgment of 30 June 1995, East Timor (Portugal v. Australia).

لازم است میان حق داشتن و مجاز بودن امری تفکیک قائل شد، مانند حق بر انقلاب در حقوق بین الملل است که چنین حقی وجود ندارد اما ان به معنای ممنوعیت آن هم نیست. در قضیه کبک کانادا و اعلامیه استقلال کوزوو این امر مشخص تر است. در قضیه جدایی ایالت کبک از حقوقدانان سوال شده بود که آیا ایالت کبک حق جدا شدن از کانادا را دارد یا خیر؟ در اینجا بحث از وجود یک حق است و اکثر حقوق دانانی که از آنها سوال شد بر این عقیده بودند که حقوق بین الملل کنونی از تمامیت ارضی دولتها حمایت می کند و قسمتی از یک سرزمین بصورت یکجانبه نمی تواند اعلام جدایی کند چرا که در این زمینه در حقوق بین الملل حق جدایی گروه های جدای طلب وجود ندارد. در قضیه کوزوو سوالی که مطرح شد صرفاً به بحث مجاز بودن اعلامیه استقلال می پردازد و از دیوان سوال می شود که: آیا اعلامیه استقلال کوزوو مطابق حقوق بین الملل مجاز است؟ و به عبارتی آیا حقوق بین الملل اعلامیه یکجانبه را مجاز می داند یا خیر؟

دیوان در این سوال یک تفسیر مضیقی ارائه کرد و بحث را بشدت محدود کرد و حاضر نشد به بحث آثار و نتایج اعلامیه وارد شود. هدف از ذکر این دو مورد بیان تفاوت میان حق دانستن و مجاز بودن امری است. کسانی که معتقد به مجاز بودن جدایی یکطرفه هستند اعتقاد دارند اصولی همانند حمایت از حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها و اصل عدم مداخله در روابط میان کشورها جاری است و این اصول در روابط میان دولت مرکزی و قسمت جدایی طلب معنایی ندارد. همین دیدگاه را در رای مشورتی دیوان در مورد اعلامیه استقلال کوزوو نیز می بینیم. دیوان اینجا استدلال می کند که اصل تمامیت ارضی درست است که بخش مهمی از نظم حقوق بین الملل است و در بند ۴ ماده ۲ منشور نیز محترم شمرده شده است. در کنفرانس هلسنکی ۱۹۷۵ تاکید شده و بر این اساس تمام دولتها باید در روابط بین المللی خودشان از تهدید یا کاربرد زور علیه تمامیت ارضی و استقلال یکدیگر منع شده اند. اما از نظر دیوان قلمرو تمامیت ارضی محدود به قلمرو بین دولتهاست و دولتها ملزم به رعایت این اصل هستند نه بازیگران غیردولتی.

۳. رهیافت سوم. در بحث جدایی یکجانبه در حقوق بین الملل مطرح است جدای از دو رهیافت قبلی تئوری جدایی چاره ساز یا جبرانی است.

جدایی چاره ساز مبتنی بر این امر است که در وضعیت که حق تعیین سرنوشت داخلی بصورت جدی و مستمر نقض می شود و توسل به راهلهای دیگر نیز انجام شده، جدایی ممکن است آخرین راه حل باشد. جدایی چاره ساز مبین آن است که نقض فاحش حقوق بشر ممکن است گروه قربانی را مستحق جدایی از دولت مادر کند، طبق این نظریه، دولت به خودی خود نه تنها ارزش ندارد، بلکه فلسفه وجودی آن خدمت به بشر است، پس اگر دولت نتواند این فلسفه را محقق کند مشروعیت و ضرورت آن زیر سوال می رود (حدادی، کریمی، ۱۳۹۴، ۷۱۸) در جریان درخواست رای مشورتی دیوان بین المللی دادگستری درباره مشروعیت جدایی کوزوو از صربستان نیز ۹ دولت به وجود این نظریه در حقوق بین الملل اعتقاد داشتند. ۴ این رای، دیوان ضروری ندانست به این مساله بپردازد که آیا خارج از وضعیت سرزمین های غیر خودمختار و مردم تحت انقیاد، استثمار و سلطه بیگانگان، حقوق بین الملل ناظر بر حق تعیین سرنوشت به بخشی از جمعیت یک دولت مستقر، حق جدا شدن از آن دولت را می دهد یا اینکه آیا حقوق بین الملل حق «جدایی چاره ساز» را به رسمیت می شناسد و اگر چنین است، تحت چه

شرایطی. دیوان یادآور می‌شود که مجمع عمومی صرفاً نظریه دیوان را در مورد مطابقت اعلامیه استقلال با حقوق بین‌الملل خواسته است. دیوان به این مساله توجه دارد که مباحث مربوط به گستره حق تعیین سرنوشت و وجود هرگونه حق جدایی چاره ساز ناظر به حق جدا شدن از یک دولت است و این خارج از حیطه سوال مجمع است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۶، ۲۴۳).

با وجود این، نظریه مدنظر متأثر از محدودیت‌های مربوط به اصل تمامیت سرزمینی در حقوق بین‌الملل است و در نتیجه معیارهایی با آستانه بالایی برای تحقق آن در نظر گرفته شده است، که این معیارها عبارتند از:

۱. حقوق بنیادین بشری به‌ویژه حق تعیین سرنوشت مردم از سوی دولت مرکزی بنحوی فاحش و منظم نقض شود. ۲. جدایی چاره‌ساز آخرین تیر ترکش باشد. به بیان دیگر، به هرگونه راهکار ممکن برای عبور از نقض فاحش و منظم حقوق بشری توسل شده و هیچ نتیجه موثری حاصل نشده باشد. دکترین حامی نظریه جدایی چاره‌ساز، مبنای قانونی تبلور این نظریه را قطعنامه شماره ۲۶۲۵ مجمع عمومی ملل متحد بعنوان «بیانیه اصول حقوق بین‌الملل درباره روابط دو ستانه و همکاری میان دولتها مطابق با منشور» (۱۹۷۰) می‌داند. در بخش مربوط به حقوق برابر و حق تعیین سرنوشت قطعنامه آمده است که: «هیچ یک از بندهای فوق مشوق تجزیه و خدشه‌دار کردن جزئی یا کلی تمامیت سرزمینی ... دولتهای حاکم و مستقل نخواهد شد که بر اساس اصل (تعیین سرنوشت) عمل می‌کنند و از اینرو نمایندگی کل خلق‌های متعلق به سرزمین خود را بدون تمایز از حیث نژاد، عقیده یا رنگ پوست بر عهده دارند» (A/RES/25/2625, 11). این بند به خودی خود اشاره‌ای به جدایی چاره‌ساز ندارد بلکه «مفهوم مخالف» این بند است که مبنای حقوقی جدایی چاره‌ساز به‌شمار می‌آید، یعنی تمامیت سرزمینی فقط هنگامی پاس داشته می‌شود که دولت حاکم، حق تعیین سرنوشت را به جا آورد در غیر این صورت، جمعیت ستمدیده مجاز است تمامیت سرزمینی آن دولت را نادیده بگیرد. به همین دلیل به این بند «شرط محافظ» نیز گفت می‌شود زیرا خلق‌ها یا اقلیت حاضر در قلمرو یک دولت را در برابر انکار حق تعیین سرنوشتشان محافظت می‌کند (حدادی، کریمی، ۱۳۹۴، ۷۱۹-۷۲۰).

به اعتقاد طرفداران جدایی چاره‌ساز این امر، نوعی تعادل بین دو اصل حق تعیین سرنوشت و تمامیت ارضی ایجاد می‌کند یعنی تا هنگامی که حکومت در خصوص گروه قومی اعمال تبعیض ننموده و یا حقوق بشری آنها را مداوماً و بطور سیستماتیک نقض نکرده است، گروه قومی حق جدا شدن و عمال «تعیین سرنوشت خارجی» (یعنی تشکیل مستقل خود) را نخواهند داشت. بلکه همچون دیگر افراد درون آن کشور تنها از «حق تعیین سرنوشت داخلی» (یعنی داشتن حکومت دموکراتیک) برخوردارند (عزیزی، ۱۳۸۸، ۱۵۴).

15 Nothing in the foregoing paragraphs shall be construed as authorizing or encouraging any action which would dismember or impair, totally or in part, the territorial integrity or political unity of sovereign and independent States conducting themselves in compliance with the principle of equal rights and selfdetermination of peoples as described above and thus possessed of a government representing the whole people belonging to the territory without distinction as to race, creed or colour.

طرفداران این دیدگاه جهت ادعای جدایی چاره ساز برای یک اقلیت تحت ستم به «اعلامیه اصول حقوق بین الملل راجه به روابط دوستانه و همکاری بین دولتها بر مبنای منشور ملل متحد» استناد جسته اند. با این توضیح که پاراگراف ۵ اعلامیه به این نکته تصریح دارد که: «اعلامیه نمیتواند به گونه ای مورد تفسیر قرار گیرد تا عملی را مجاز یا تشویق نماید که تمامیت سرزمینی یا اتحاد سیاسی دولتی مستقل و برخوردار از حکومتی که مجموعه مردمان متعلق به سرزمین خود را بدون توجه به نژاد، باور و رنگ نمایندگی میکند را مورد تهدید قرار دهد» تفسیر در مفهوم مخالف این قید تحفظ، منجر به از بین رفتن حق استناد به تمامیت سرزمینی برای دولتی خواهد گردید که اقلیتی را تحت ستم قرار داده است (زمانی، ۱۳۱۳۹۲، ۱۶۸).

به عبارتی طبق حقوق بین الملل موجود حکومت های استعمارگر، نژادپرست و اشغالگر نامشروعند و عرفی در حال شکل گیری است که حکومت های ناقض حقوق بشر نیز نامشروع قلمداد شوند. ۶ که این عرف پس از فجایع کوزوو در حال ایجاد است (ضیایی، ۱۳۸۹، ۱۱۹).

۴. حق تعیین سرنوشت

حق تعیین سرنوشت حقی است برای تمام مردم تا «به طور آزادانه و بدون مداخله خارجی وضعیت سیاسی خود را تعیین نمایند» (ضیایی، ۱۳۹۲، ۱۹۷). حق تعیین سرنوشت یکی از اصول پایه شناخته شده طی نیم قرن اخیر است، بطوری که بسیاری آن را به مثابه عناصر اساسی مشروعیت تلقی می نمایند. دیوان بین المللی دادگستری این اصل را بعنوان یکی از اصول اساسی و پایه حقوق بین الملل معاصر شناخته است (امیدی، ۱۳۸۵، ۲۳۰). این بدان معنی است که کلیه اصول نظم بین المللی، قانون و مشروعیت که اساساً از سایر مبانی نشأت گرفته است با استناد به این اصل توجیه شود. حق تعیین سرنوشت به عنوان بخشی از تعهدات ناشی از منشور ملل متحد تلقی شده است (برانلی، ۱۳۸۳، ۵۱).

اهمیت این حق در شرایط کنونی به حدی است که عمده مناقشات مسلحانه و درگیری های داخل سرزمین های مستقل در سال های اخیر بر محور برداشت های مختلف از حق تعیین سرنوشت رخ داده است (مولایی، ۱۳۹۳: ۹). حق تعیین سرنوشت، نقش بسزایی در تحقق حقوق فردی خواهد داشت اما در واقع حقی جمعی است که از سوی جامعه به عنوان یک کل اعمال می گردد (Maguire, 2009, 10). در نهایت می توان گفت حق تعیین سرنوشت مجموعه ای از حق ها همچون آزادی عقیده و آزادی بیان و حق رای است. این مجموعه از حق های انسانی حق هایی هستند که همه شهروندان باید بصورت الزامی از آن بهره مند شوند (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸، ۶۷). از منظر حقوق بین الملل، حق تعیین سرنوشت مردمان و جمعیت ها تنها در چهارچوب کشورهای حاکم موجود و با حفظ تمامیت ارضی آن باید اعمال شود (Crawford, 2000, 42).

این اصل در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و حقوق مدنی و سیاسی و بدنبال آنها در اعلامیه اصول راجعه به توسعه روابط دوستانه و همکاری میان دولتها بر اساس منشور مورخ ۱۹۷۰ مورد تاکید قرار گرفته است (موسی زاده، ۱۳۹۲، ۱۰۴-۱۰۵). این حق بخصوص از زمان تدوین میثاقین، به عنوان حق مردم برای تعیین نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در چارچوب آن زندگی می کنند، تعریف شد (اخوان خرازیان، ۱۳۸۶، ۱۰).

به نظر حقوقدانانی چون کاسسه، ابعاد مفهوم حق تعیین سرنوشت به مرور زمان دقیق تر و شفاف تر شده است. این مفهوم در ابتدا بیشتر در مورد سرزمین‌های تحت سلطه، استعماری و رژیم‌های نژادپرست مصداق داشت، ولی از اواسط دهه ۱۹۶۰ به بعد که اکثریت سرزمین‌های تحت استعمار استقلال کسب کردند، مفهوم حق تعیین سرنوشت در مورد اقلیت‌ها و مردم زیر سلطه کشورهای استبدادی تسری مفهومی و مصداقی پیدا کرد (امیدی، ۱۳۸۵، ۲۳۹).

غیر قابل انکار است که حق بر جدایی در وضعیت‌های بغرنجی که در آن همزیستی گروه‌های متفاوت در یک کشور به طور بلندمدت امکان‌پذیر نیست، وجود دارد. تعیین چنین وضعیت‌هایی مشکل است و معمولاً مورد شناسایی قرار نمی‌گیرد حتی مواردی مانند بیافرا، کوزوو و یا بوسنی و هرزگوین. بنابراین حتی امروزه حق تعیین سرنوشت به دلایل عملی بسیاری شامل حق بر جدایی نمی‌شود (ضیایی، ۱۳۹۲، ۱۹۸).

موارد کاربرد اصل حق تعیین سرنوشت

اصولاً کاربرد اصل تعیین سرنوشت در مواضعی محدود پذیرفته شده است: ۱. موضع ضد استعماری ۲. اشغال ۳. رژیم‌های نژاد پرست.

ابعاد مختلف حق تعیین سرنوشت:

۱. بعد خارجی حق تعیین سرنوشت: این جنبه از حق تعیین سرنوشت، بعنوان حق یک ملت برای مت‌شکل نمودن خود در داخل یک کشور یا تعیین آزادانه شکل اتحاد خود با یک دولت موجود از راه‌های دیگر (اعم از اتحاد و الحاق) و دیگر راه‌های مورد انتخاب ملت مربوطه تعریف گردیده است (موسوی، ۱۳۹۲، ۳۸). امروزه وقتی کشورها از حق تعیین سرنوشت خارجی صحبت می‌کنند، آن را به معنای آزادی عمل دولت از دخالت عناصر خارجی به کار می‌برند (زمانی، نیکویی، ۱۳۹۵، ۲۶۴).

۲. بعد داخلی حق تعیین سرنوشت: به معنای داشتن حق انتخاب آزادانه سیستم‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد (موسوی، ۱۳۹۲، ۳۸). مبنای اصل مشارکت مردم در اداره عمومی جامعه در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است. ۹. حق تعیین سرنوشت از بعد داخلی یا همان حق مشارکت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اقتضاء دارد مردم بتوانند بدون تبعیض در فرآیند سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی سهیم شوند (نصیری لاریمی، ۱۳۹۳، ۱۰۴). تحولاتی که در دهه‌های اخیر مبنی بر حمایت از حقوق بشر رخ داده است سبب گردیده مفهوم مشارکت عمومی را در اداره امور جامعه محول کرده است، این دسته از تحولات بیشتر ناظر به جنبه داخلی حق تعیین سرنوشت است (سیفی، ۱۳۷۴، ۲۵۸).

۱۷ External self determination.

۱۸ Internal self determination.

حق تعیین سرنوشت و حقوق اقلیت ها

این اصل جنبه قاعده آمره (jus cogens) پیدا کرده است که معنای آن این است که تمامی اعضای جامعه بین المللی موظف به احترام و رعایت بی چون و چرای آن هستند. بنابراین، اصل حق تعیین سرنوشت ملتها، توسط همه مردم از جمله اقلیت ها اصلی غیرقابل مناقشه است.

در اسناد بین المللی بارها بر رعایت تمامیت ارضی کشورها تاکید شده است از جمله در اعلامیه افراد متعلق به اقلیت های قومی، ملی، مذهبی یا زبانی، که تاکید شده است یکی از وظایف سازمان ملل حمایت از تمامیت ارضی و حاکمیت کشورها است. ماده ۸ اساسنامه دیوان به لزوم دفاع از تمامیت ارضی کشورها اشاره دارد؛ از اینرو می توان گفت نمی توان حق تعیین سرنوشت اقلیت ها را مساوی با تجزیه طلبی دانست.

در بند ۶ قطعنامه ۱۵۱۴ نیز هر گونه اقدام گروه های اقلیت برای استناد به حق تعیین سرنوشت را که منتهی به تجزیه طلبی شود مغایر حقوق بین الملل دانسته شده است (عزیزی، ۱۳۸۵، ۳۶۳). می توان گفت در اسناد بین المللی بر حق تعیین سرنوشت ملتها و حقوق اقلیت ها تاکید شده است ولی برای قبول حق تجزیه طلبی اقلیت ها تا کنون اجماع جهانی صورت نگرفته است.

بررسی قطعنامه های شورای امنیت، بخصوص در مورد کوزوو که اقدام نظامی ناتو مطرح بوده است، نشان می دهد که شورای امنیت در عین حال که ممکن است اقدام ناتو را مغایر حقوق بین الملل نداند، ولی تمامیت ارضی یوگسلاوی را غیر قابل تخطی دانسته است.^{۲۱}

از گذشته تاکنون تاریخ خاورمیانه با روحیه استقلال طلبی قومیت ها و اقلیت های مذهبی همراه بوده است. این شرایط بدلیل موقعیت خاص خاورمیانه است که دارای جایگاهی استراتژیک می باشد و در طول تاریخ محل گذر اقوام و مذاهب مختلف بوده است. خاورمیانه در عین اینکه نمادی از تمدن های مختلف و همزیستی اقوام و مذاهب مختلف است که تا به امروز بر جای مانده اند، نمادی از تضاد قومی، مذهبی و نژادی نیز می باشد. همین شرایط در طول تاریخ پایداری مقتدرانه حکومت ها و امپراطوری های بزرگ را در دراز مدت را در خاورمیانه با چالش روبرو کرده است. تحولات دو دهه اخیر نشان می دهد که خطر استقلال طلبی امروزه اغلب کشورهای بزرگ خاورمیانه را تهدید می کند. پیوند اقلیت های قومی یا ایدئولوژی به آنها انگیزه دو چندان برای استقلال طلبی داده است. کشورهای بزرگ خاورمیانه مثل ایران، عربستان، مصر، سوریه، ترکیه، عراق و پاکستان با خطر تجزیه و استقلال طلبی مواجه هستند. هر یک از این کشورها در درون خود با چندین اقلیت مختلف که هر یک بار مطالبات و خواسته های خاص خود را دارند، روبرو هستند.

۲۰. بند ۴ ماده ۸ اعلامیه: «هیچ یک از اصول سازمان ملل متحد نباید به طوری تفسیر شود که هرگونه فعالیت علیه اهداف و اصول سازمان ملل متحد از جمله حاکمیت برابر، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت ها مجاز باشد»

۲۱ S/ Res/ 1160, (3 March 1998), S/ Res/ 1199, (23 Sep. 1998), S/ Res/ 1203 (24 Oct 1998), S/ Res/ 1239, (14 May 1999), S/ Res/ 1244, (10 June 1999).

۵. قانون اساسی عراق

اقدام اقلیم کردستان مغایر مفاد قانون اساسی عراق است که در همه پرسی سال ۲۰۰۵ کردستان عراق زیر آن را امضا کرد. به ویژه اینکه توسعه حوزه همه پرسی به شهرهای مورد مناقشه بین اقلیم و دولت مرکزی عراق. قانون اساسی عراق که در سال ۲۰۰۵ و با مشارکت خود کردها تصویب شد، ابتدای قانون اساسی عراق آمده هر فرد گروه و قومی قبل از حقوق و قوانین بین المللی تابع قوانین ملی است و وقتی قوانین بین المللی شامل حالشان می شود که از مرحله قوانین ملی گذشته باشد، اقلیم کردستان یک سرزمین یا کشور مستقل نیست که مستقیماً به قوانین بین المللی تعلق دارد. فعلاً یک استان یا اقلیم تابع کشور عراق و قانون اساسی کشور مادر است. مساله استقلال اقلیم در عراق مانند هر کشور دیگری نمی تواند یکطرفه باشد. در واقع اقلیم دو راه حل دارد: ۱. یکی کسب موافقت دولت عراق به نمایندگی از طرف ملت آن کشور ۲. یا برگزاری یک فراندوم ملی و عمومی در کشور عراق.

در ماده اول خود تاکید می کند «عراق کشوری فدرال است که قانون اساسی ضامن وحدت آن است»^{۱۳} و در ماده ۱۳ تاکید می کند «قانون اساسی عالی ترین قانون در کشور است و تصویب هر قانونی که به اتخاذ تصمیمی بر خلاف قانون اساسی منجر شود، جایز نیست». دولت عراق در واقع با استناد به این دو ماده از قانون اساسی می تواند ماده ۱۰۹ قانون اساسی را به اجرا بگذارد که می گوید نهادهای دولت فدرال حافظ وحدت عراق و نظام فدرالی آن هستند.^{۱۴} نهادهای فدرال در عراق شامل تمامی نهادهای نظامی و حکومتی این کشور از جمله نیروهای مسلح، وزارتخانه ها، نهادهای اقتصادی، پارلمان و ... است و ماده ۱۰۹ به این معنی است که هر یک از این نهادها می توانند براساس قانون برای حفاظت از نظام فدرالی کنونی و جلوگیری از تقسیم عراق وارد عمل شوند که می تواند دایره ای از حمله نظامی تا تحریم های اقتصادی گسترده را شامل شود. به این موضوع باید مصوبه اخیر پارلمان عراق را هم اضافه کنیم که نخست وزیر را مکلف کرده از هر وسیله ای که در اختیار دارد (از جمله نیروی نظامی) برای حفظ وحدت کشور بهره بگیرد.

امکان برگزاری همه پرسی بموجب ماده ۱۱۹ قانون اساسی عراق بر اساس یکی از دو مسیر زیر ممکن است: ۱. درخواست یک سوم از اعضای شورای هر ایالت که قصد دارند یک منطقه تشکیل دهند. ۲. درخواست یک دهم از رای دهندگان هر استان که قصد تشکیل منطقه خودمختار را دارند.

این همه پرسی بدون اجازه و موافقت دولت فدرال عراق انجام شده است و بالطبع نتایج آن یک همه پرسی غیرقانونی نیز تا وقتی که مورد تایید دولت فدرال عراق قرار نگیرد غیرقانونی خواهد بود.

مساله دیگری که درباره همه پرسی مطرح است این است که اقلیم کردستان این رای گیری را نه تنها در سه استان اصلی خود (سلیمانیه، دهوک و اربیل) برگزار کرده بلکه حوزه های رای گیری را در استان کرکوک و بخش هایی از صلاح الدین و دیالی

^{۱۲} The Republic of Iraq is a single federal, independent and fully sovereign state in which the system of government is republican, representative, parliamentary, and democratic, and this Constitution is a guarantor of the unity of Iraq.

^{۱۳} The federal authorities shall preserve the unity, integrity, independence, and sovereignty of Iraq and its federal democratic system.

نیز دایر کرده است. ایراد قانونی این کار در این است که بر اساس قانون اساسی عراق این مناطق جزو مناطق مورد مناقشه میان دولت مرکزی و دولت اقلیم کردستان محسوب می‌شوند که بر اساس ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق مصوب ۱۵ دسامبر ۲۰۰۵ رفراندومی باید تا پایان سال ۲۰۰۷ برگزار شود تا تکلیف مناطق مورد مناقشه میان اقلیم و دولت مرکزی عراق مشخص شود (Gunter, 2010, 41). حال این همه‌پرسی به دلیل شرایط عراق تاکنون اجرا نشده است اما این به کردها مجوز قانونی نمی‌دهد که در منطقه‌ای که با زور سلاح به کنترل درآورده‌اند همه‌پرسی استقلال برگزار کنند.

اگر چه در ماده ۱۴۰ همین قانون تصریح شده که باید در مناطق مورد مناقشه با دولت مرکزی مانند کرکوک و صلاح الدین همه‌پرسی برگزار تا تعیین تکلیف شود اما نکته این است که اولاً بارزانی برای برگزاری همه‌پرسی در این مناطق باید موافقت دولت مرکزی به عنوان طرف دیگر مناقشه را هم جلب می‌کرد که چنین اقدامی انجام نشد. ثانیاً بارزانی نه تنها مذاکراتی برای تغییر قانون اساسی انجام نداده بلکه پارلمان عراق نیز هیچ مصوبه‌ای در این باره نداشته است. بنابراین اولین لازمه هر اقدامی در این زمینه یعنی مشروعیت قانونی و حقوقی آن به طور جدی زیر سوال است.

بر اساس ماده ۱۴۰ مجری اجرایی (قوه مجریه) باید اقدامات لازم را برای تکمیل اجرای الزامات اجرای این ماده انجام دهد. این ماده می‌گوید تغییرات صورت گرفته جمعیتی باید به وضع سابق بازگردد که شامل کوچ‌های اجباری و طبیعی طی ۸۰ سال گذشته می‌باشد. در اینجا چند اشکال عمده بر قانون‌گذار وارد است: ۱. نسلی که امروز در کرکوک است سه چهارم دهه ساکن است ۲. این ماده انتقام نسلی را از نسل دیگر می‌گیرد ۳. جز با زور و اجبار اجرایی نخواهد شد (ظلم بر ساکنان امروزی کرکوک) ۴. قانون اجرایی ماده ۱۴۰ شامل سه مرحله است: الف. عادی سازی و وضعیت ب. بازگشت به وضع پیشین ج. سرشماری از جمعیت قبلی و فعلی. (در اینجا تنها عرب‌هایی واجد شرایط می‌شوند که سابقه سکونت‌شان قبل ۱۹۵۷ باشد).

نکته مهم بحث این است که آنچه بر اساس قانون اساسی عراق بیان شد همگی درباره همه‌پرسی الحاق بخش‌های مورد مناقشه به اقلیم است (اقلیمی که خود بخشی از عراق است). اما موضوع رفراندومی که برگزار شد استقلال از دولت مرکزی عراق به عنوان کشوری مستقل است و این قابل انطباق با قانون اساسی نیست.

۶. رویکرد سازمان‌های بین‌المللی نسبت به همه‌پرسی اقلیم

سازمان ملل

در رویه سازمان ملل جدایی خاک یک کشور از طریق همه‌پرسی یکجانبه قومی در جایی که تبعیض نژادی و نسل‌کشی وجود ندارد مردود است. ۲۴

اعلامیه سازمان ملل به مناسبت پنجاهمین سال تاسیس سند واضح در این خصوص است که مقرر می‌دارد: «حق تعیین سرنوشت به معنی تشویق و یا ارایه دستورالعمل برای تجزیه و خدشه دار کردن کلی یا جزئی تمامیت ارضی و وحدت سیاسی

دولت های مستقل و حاکم نیست که تابع اصل تامین حقوق برابر و حق تعیین سرنوشت مردم خود هستند (UN Doc.A/50/49,1995).

سخنگوی دبیرکل سازمان ملل تاکید کرد دبیرکل این سازمان نگران بی ثباتی در پی برگزاری همه پرسی در منطقه کردستان عراق است؛ دبیرکل سازمان ملل بر لزوم احترام به حاکمیت، تمامیت ارضی عراق تاکید کرد و بیان داشت که همه مسائل برجسته بین دولت فدرال . اقلیم باید از طریق گفتگوی سازمان یافته و سازش سازنده حل شود. استنفان دوجاریک گفت: آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل درباره احتمال برهم خوردن ثبات در پی برگزاری همه پرسی در منطقه کردستان عراق از جمله مناطق مورد اختلاف به ویژه کرکوک، احساس نگرانی می کند. وی افزود دبیرکل انتظار دارد فعالیت های سازمان ملل در سراسر عراق بدون محدودیت، از جمله در اقلیم ادامه یابد (UN chief voices concern over 'potentially destabilizing effects' of Kurdish referendum). گوترش بیان داشته که: هر تصمیم یکجانبه ای برای برگزاری همه پرسی در این زمان، ما را از هدف شکست داعش دور خواهد کرد (UN's Guterres urges Kurds in Iraq to scrap referendum, 2017). در این بیانیه از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی و اتحاد عراق حمایت شده است. ۲۵

شورای امنیت

شورای امنیت سازمان ملل متحد نسبت به این موضوع واکنش نشان داده و طی بیانیه ای همه پرسی کردستان را محکوم کرده است (بهمنی قاجار، ۱۳۹۶). شورای امنیت قبل از برگزاری همه پرسی درباره برگزاری آن هشدار داد، در این بیانیه مه ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۵ صادر شد، ۱۵ عضو شورای امنیت بیان داشتند که رفراندوم مانع از تلاش ها برای کمک به پناهنجویان و همچنین موجب تضعیف کمپین نظامی ضد داعش می شود. اعضای شورای امنیت نگرانی خود را در مورد تأثیرات بالقوه بی ثبات کننده برنامه های اقلیم در منطقه ابراز داشتند؛ شورا خواستار گفتگو و سازش برای مقابله با اختلافات میان بغداد و اقلیم شدند (UN Security Council opposes Kurdish independence vote, 2017). شورای امنیت بیان داشته بود که برگزاری رفراندوم تلاش برای بازگشت سه میلیون پناهنده را متوقف خواهد کرد؛ اعضای شورا بر احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی عراق تاکید کردند (UN Security Council opposes Kurdish referendum, 2017).

اتحادیه عرب

محمود عفیفی سخنگوی دبیر کل اتحادیه عرب گفت احمد ابوالغیط از اقدام مسئولان منطقه کردستان عراق در برگزاری همه پرسی در این منطقه با وجود همه تلاش هایی که از جانب کشورهای عربی و بین المللی برای جلوگیری از برگزاری آن صورت گرفت، ابراز تا سف کرد. احمد ابو الغیط دبیر کل اتحادیه عرب بر تصمیم شورای اتحادیه عرب مبنی بر حمایت از حفظ وحدت، حاکمیت و استقلال عراق و احترام به قانون اساسی این کشور تأکید کرد. سخنگوی دبیر کل اتحادیه عرب گفت احمد ابوالغیط از اقدام برخی طرفها در بهره برداری از این بحران برای تشدید شکاف ها و بروز تنش های جدید در منطقه نگران است چون این اقدامات می تواند به تضعیف تلاش های فعلی برای نابودی تروریسم در منطقه منجر شود. ۲۶

۲۵ <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=57731>

۲۶ <http://fars.iribnews.ir/fa/print/1824465>.

اتحادیه اروپا

روابط اتحادیه اروپا و عراق با دو توافقنامه دوجانبه حمایت شده است: ۱. یادداشت تفاهم انرژی ۲۰۱۰-۲۰۱۱م توافق چارچوبی برای بهبود و توسعه روابط انرژی بین اتحادیه اروپا و عراق ایجاد می‌کند. این مسائل شامل سیاست انرژی عراق، تامین منابع انرژی، انرژی تجدیدپذیر، بهره‌وری انرژی و بهبود همکاری‌های فنی، علمی و صنعتی است. ۲. توافقنامه همکاری ۲۰۱۲-۱۳م برای پشتیبانی اتحادیه اروپا از عراق است، این توافقنامه یک چارچوب قانونی برای بهبود روابط و همکاری در طیف وسیعی از زمینه‌ها فراهم می‌کند. اینها شامل مسائل سیاسی، مبارزه با تروریسم، تجارت، حقوق بشر، بهداشت، آموزش و محیط زیست است (Iraq and the EU).

اتحادیه اروپا در پی اعلام برگزاری همه‌پرسی اقلیم بیانیه‌ای صادر کرد، در این بیانیه اتحادیه اروپا پشتیبانی خود را از وحدت، حاکمیت و تمامیت ارضی عراق تکرار کرد و بیان می‌دارد که از اقدامات یک جانبه‌ای مانند رفتارندوم باید اجتناب شود. در این اعلامیه آمده: اتحادیه اروپا می‌داند که مشکلات برجسته‌ای میان اربیل و بغداد وجود دارد که باید حل شود، این امر باید طی یک گفتگوی صلح آمیز و سازنده انجام گیرد تا منجر به توافق طرفین بر اساس قانون اساسی عراق شود. در پایان اتحادیه اروپا از ابتکار سازمان ملل متحد برای تسهیل گفتگو حمایت می‌کند و در صورت درخواست، از چنین پروسه‌ای پشتیبانی خواهد کرد (Statement by High Representative/Vice-President Federica Mogherini on the proposed Kurdish referendum in Iraq, 2017).

رویکرد برخی دولتها نسبت به همه‌پرسی اقلیم

آمریکا: واشنگتن ضمن اعلام مخالفت با برگزاری همه‌پرسی جدایی در عراق از دولت منطقه‌ای کردستان خواست تا برنامه برگزاری این همه‌پرسی را لغو کند. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا با صدور بیانیه‌ای، مخالفت شدید واشنگتن با برگزاری همه‌پرسی جدایی منطقه کردستان عراق را اعلام کرد. در این بیانیه آمده است: «آمریکا به شدت با همه‌پرسی استقلال دولت منطقه‌ای کردستان عراق که برای تاریخ ۲۵ سپتامبر برنامه‌ریزی شده است، مخالف است. تمامی همسایگان عراق و تقریباً تمامی جامعه بین الملل نیز با این همه‌پرسی مخالفند.» سخنگوی وزارت خارجه آمریکا هشدار داد که اگر این همه‌پرسی طبق برنامه برگزار شود، «به احتمال خیلی زیاد، مذاکره با بغداد، غیرممکن می‌شود» و حمایت جامعه بین‌الملل در مذاکرات سلب می‌شود. وزارت خارجه آمریکا معتقد است که این همه‌پرسی از قبل بر تلاش‌هایی برای راندن داعش از مناطق باقیمانده تحت کنترلشان در عراق تأثیر گذاشته است و برگزاری آن می‌تواند روابط تجاری و کمک‌های بین‌المللی به این منطقه را در معرض خطر قرار دهد. وزارت خارجه آمریکا همچنین اعلام کرد که کردها می‌بایست «از قبل به برآیندی که این فرایند همه‌پرسی می‌تواند به همراه داشته باشد از جمله اتحاد برای مردم کرد، احیای پارلمان کردستان برای اولین بار در نزدیک به دو سال و قرار دادن موضوعات مهم در صحنه بین‌الملل افتخار کند.» نوئرث ادامه داد: «متأسفانه، همه‌پرسی تمامی این انگیزه‌ها و اراده‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد. برگزاری این همه‌پرسی با توجه به مسیر جایگزین که توسط آمریکا و جامعه

۲۷ Memorandum of Understanding on Energy Cooperation, signed in 2010.

۲۸ Partnership and Cooperation Agreement (PCA), signed in 2012.

بین الملل آماده و تأیید شده است، کاملاً غیرضروری است. آمریکا بیانیه اش را پس از آن صادر کرد که وزارت خارجه و وزارت دفاع برای منصرف کردن کردها از برگزاری همه پرسی موفق نشدند (۴ Key Points About the Kurdistan Independence Vote, 2017).

روسیه: موضع روسیه نسبت به قضیه اقلیم پیچیده است، روسیه با بازی های دیپلماتیک غریبه نیست و بطور معمول بدنبال قرار گرفتن بعنوان بازیگری پویا در منطقه است تا حضور خود را بیشتر نمایان کند؛ اما در رابطه با قضیه کردها روسیه بطور سنتی روابط دوستانه ای با کردها داشته و از اولین کشورهای است که در اربیل کنسولگری افتتاح کرد.

شناسایی سیاست واضح روسیه در قبال کردستان مشکل است، مشارکت روسیه با دولت مرکزی بغداد و کردها در اربیل درخور توجه است، با این حال، مسکو روابط تاریخی قوی با هر دو گروه دارد، روابط روسیه و بغداد به سال ۱۹۵۸ باز می گردد، زمانی که ژنرال عبدالکریم کاظم ک طرفدار غرب بود سرنگون شد؛ با کردستان نیز روابط پیچیده ای دارد، مصطفی بارزانی دوران تبعیدش را در شوروی بود و بنظر می رسد روابط قوی میان قبیله بارزانی و مسکو وجود دارد، با این حال، روابط روسیه با بغداد و اربیل در طول سالها گسترش یافته از طرفی مساله استقلال کردها محدود به عراق نیست و ایران و سوریه نیز متاثر از قضیه خواهند شد، بطوری که سرگی لائوروف بیان داشت که: «مسئله کردی فراتر از مرزهای عراق امروز است و پیامدهای سیاسی، اقتصادی، ژئوپلیتیکی و جمعیت شناسی دارد». هر دو طرف بغداد و اربیل روسیه را بعنوان مدافعی قوی برای اهداف سیاسی خود می دانند در حالی که روسیه بواسطه قراردادهای انرژی و فروش تسلیحات از این رابطه سود می برد و از سویی پروژه ای از تصویر یک قدرت بزرگ در خاورمیانه برای خود دارد. دغدغه روسیه در عراق موجب اتخاذ موضعی عجیب در رابطه با فراندوم شده است، در نشست های رسمی، دیپلمات های روسیه بطور آشکار و مکرر بیان می دارند که از تمامیت ارضی عراق پشتیبانی می کنند که این امر نیز ظاهراً بخاطر رابطه میان اتحاد عراق و ثبات و امنیت منطقه است. با این حال شواهد مبنی بر مساعدت روسیه به کردستان کم نیست، مسئول کنسولگری روسیه در اربیل در مصاحبه ای با رسانه های کردستان بیان داشت که: «مسکو از تصمیم مردم کردستان حمایت می کند زیرا تصمیم گیری از طریق فراندوم است.» غول انرژی روسیه در اقلیم فعال است و از طرفی صادرات نفت نیز وابسته به حمل و نقل به بندرگاه ها از طریق ترکیه است هر دو شرکت نفتی گازپروم نفت و روزنفت روسی وابسته به این قراردادها هستند که در صورت عدم همراهی ترکیه سرمایه گذاری روسیه در منطقه می تواند سقوط کند (Kurdish referendum a double-edged sword for Russia, ۲۰۱۷).

با این حال یکی از مشکلات عمده در مورد فراندوم اقلیم بحث زمان آن بود که با وجود اعلام از قبل با پروسه حل و فصل سوریه همزمان شد و بیم ادعای تجزیه و عدم همراهی گروه های کرد سوریه با دولت بشار می رفت. به لحاظ حقوقی نیز روسیه رویکرد دوگانه ای در این زمینه دارد از یک سو بحث حمایت روسیه از کریمه است و از سویی کم نیستند اقلیت های

تجزیه طلب داخل روسیه و هنوز داستان چین در اذهان تاریخی مردم روسیه زنده است و منطقه تاتارستان نیز بدنبال جدایی است؛ که موضع روسیه در حمایت از جدایی کریمه و مخالفت با جدایی تاتارستان و چین متضاد می‌نماید.

چین: چین اعلام کرد که از فراندوم استقلال که توسط دولت منطقه‌ای کردستان صورت گرفته حمایت نمی‌کند زیرا تهدیدی برای همسایگان است. لوکنگ، سخنگوی وزارت امور خارجه چین در یک نشست خبری در رابطه با همه‌پرسی اقلیم کردستان گفت: «دولت چین از حاکمیت، اتحاد و تمامیت ارضی عراق حمایت می‌کند». لو افزود: «ما امیدواریم طرف‌های بتوانند از طریق گفتگو مشکلات خود را حل کنند تا ثبات عراق و منطقه حفظ شود». وی افزود که برای ارتقاء تلاش‌های بازسازی و مبارزه با تروریسم کمک خواهند کرد. چین بعنوان عضو دائم شورای امنیت بطور کلی در خارمیانه به رغم وابستگی به نفت منطقه، بازیگر کم‌اهمیتی است اما در تلاش است تا بیشتر درگیر شود. چین می‌گوید که بدنبال سیاست عدم مداخله در امور داخلی کشورهاست و بطور کلی در مورد استقلال و جنبش‌های جدایی طلبی مخالف است. در داخل چین نیز با حرکات جدایی طلبانه در مناطق غربی تبت و سین‌کیانگ مخالف بود و است (China says supports Iraq's unity as Kurds, vote in referendum, ۲۰۱۷).

ایران: موضع حقوقی ایران مبتنی بر عدم شناسایی و وضعیت‌های غیرقانونی است، از این رو و وضعیت غیرقانونی که در آن قاعده آمده و عام‌الشمول نقض می‌شود توسط جمهوری اسلامی ایران مورد شناسایی قرار نمی‌گیرد. در مورد جدایی یکجانبه نیز ایران هیچ دکترین بدعت‌گزاری را نمی‌پذیرد، از جریان استقلال یکجانبه کوزوو در ۲۰۰۸ ایران تا کنون این موجودیت جدی را شناسایی نکرده است.

ترکیه: ترکیه از مدت‌ها قبل با استقلال کردستان مخالف است؛ حزب ناسیونال ملی کردی در ترکیه (PKK) را یک سازمان تروریستی در نظر گرفته است. ترکیه رسماً با برگزاری فراندوم اعلام مخالفت کرد، از طرفی بنا به مسائل انتقال نفت ترکیه و اقلیم روابط اقتصادی خوبی داشته‌اند و نقش ترکیه در صنعت نفت رو به رشد است و این مسائل موقعیت ترکیه را در کردستان پیچیده تر کرده است (Key Points About the Kurdistan Independence Vote, 2017, ۴). اردوغان اقلیم را تهدید کرد که اجازه صادرات نفت کردستان از طریق خاک ترکیه را نخواهد داد و هرگز اجازه تاسیس چنین کشور را در مرزهایش نخواهد داد، چنین تحولاتی را خطای استراتژیک برای منطقه و ترکیه خواند. همچنین امکان مداخله نظامی را نیز محتمل دانست (سیاست، یک شب ناگهان می‌آییم، ۱۳۹۶).

انگلیس: بریتانیا اعلام کرده که مخالف برگزاری همه‌پرسی استقلال در کردستان است؛ زیرا که همه‌پرسی ممکن است به بی‌ثباتی منطقه بینجامد در زمانی که توجه اصلی باید برای پیروزی علیه داعش معطوف باشد. از اینرو بریتانیا مذاکرات جدیدی را بین طرفین پیشنهاد داد که مذاکرات بدون پیش شرط و در زمان محدود باشد و از طرف جامعه بین‌المللی نیز حمایت شود (UK opposed referendum on independence of Iraqi Kurdistan, ۲۰۱۸).

دولت‌های حاشیه خلیج فارس: روابط دیپلماتیک میان کشورهای عربی خلیج فارس و اقلیم محدود است، زیرا این کشورها بیشتر بدنبال گسترش روابط خود با بغداد هستند. امارات متحده عربی گسترده‌ترین روابط دیپلماتیک را با کردها دارد، امارات در سال ۲۰۱۲ کنسولگری را در اربیل افتتاح کرد و بعد از آن کویت (۲۰۱۵) و سپس عربستان (۲۰۱۶) دست به این اقدام زدند؛ تعدادی از کشورهای حاشیه خلیج فارس از جمله امارات سرمایه‌گذاری گسترده‌ای و برخی مانند عربستان به میزان کمتر دارند. کویت نیز سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در منطقه کردستان دارد اما باز هم نگرانی‌های دیپلماتیک و سیاسی کشورهای حوزه خلیج فارس بیش از منافع اقتصادی است. کویت بدلیل سابقه اشغال توسط عراق (۱۹۹۰) و جلوگیری از تکرار چنین سناریویی مشتاق به حفظ روابط خوب با رهبران عراق است و از طرفی هرج و مرج در عراق می‌تواند برای همسایه جنوبی مشکل آفرین باشد (۲۰۱۷, *The Gulf Arab Countries and the Kurdish Referendum*).

بحرین: دولت بحرین با صدور بیانیه‌ای منطقه کردستان را جزئی از عراق دانست و از تمامی طرف‌ها خواست تا به گفت‌وگو روی بیاورند. به گزارش گروه رسانه‌های دیگر آنا، دولت بحرین در بیانیه‌ای از بارزانی خواست تا در برگزاری همه‌پرسی جدایی کردستان از عراق، عجله نکند تا عراق و منطقه از خطرات بیشتر دور باشد. به نوشته پایگاه خبری شفق نیوز عراق، در این بیانیه آمده است: بحرین اطمینان دارد که حکمت و دانایی «مسعود بارزانی» رئیس اقلیم کردستان باعث خواهد شد تا وی در برگزاری همه‌پرسی عجله نکند تا جمهوری عراق و تمامی منطقه در شرایط فعلی که با تهدیدات مواجه است، در معرض خطرات بیشتر قرار نگیرد. دولت بحرین با تمجید از کردستان عراق، آن را جزئی از مردم عراق دانست که در پویایی و پیشرفت عراق سهیم است.^۳

عربستان: عربستان و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس ممکن است با این رفراندوم موقعیت‌شان در منطقه تضعیف شود، عربستان به دو طرف بغداد و کردها پیشنهاد میانجی‌گری داد. پس از اینکه کنسولگری عربستان در اربیل سال ۲۰۱۶ افتتاح شد عربستان روابط دیپلماتیک مستقیمی با کردها برقرار کرد (*4 Key Points About the Kurdistan Independence* , Vote, ۲۰۱۷). **عربستان سعودی:** «عبدالله المعلمی» نماینده دائم عربستان سعودی در سازمان ملل در سخنانی تأکید کرد که ریاض حتی پس از برگزاری همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان، روابط مستحکمی با اربیل خواهد داشت. وی افزود از دیدگاه ما، حکمت بارزانی در نهایت اینگونه اقتضاء خواهد کرد که در شرایط کنونی از برگزاری همه‌پرسی صرف نظر کند. المعلمی بدون اشاره به حمایت‌های بی‌دریغ کشورش از تروریسم در عراق، مدعی شد: مهم برای ما حفظ وحدت اراضی عراق است.

دولتهای حامی رفراندوم

اسرائیل: اسرائیل از معدود کشورهایی بود که از استقلال کردستان حمایت کرد؛ در سال ۱۹۹۶ عبدالعزیز العقلی، وزیر دفاع عراق اعلام کرد که کردها در صدد ایجاد اسرائیل دوم در عراق هستند؛ حدود ۵۱ سال بعد نیز نوری المالکی با تأکید بر

^۳<http://www.ana.ir/news/287228>

این موضوع اعلام کرد: «ما اجازه نخواهیم داد که یک اسرائیل دیگر در شمال عراق ایجاد شود». بنظر می‌رسد کردها متحدان معتبر و بلند مدت اسرائیل بوده‌اند، نتانیاها در حمایت از کردستان گفت: «کردها متحدان معتبر و بلند مدت اسرائیل بوده‌اند، زیرا آنها مانند ما یک گروه اقلیت هستند و این رفراندوم تلاش قانونی مردم کردستان برای دستیابی به یک کشور است». اسرائیل در صدد است با ایجاد منطقه‌ای در عراق از نفوذ ایران بکاهد و از سوی هموارهدر صدد برقراری ارتباط با مسلمانان غیرعرب بوده است. روابط اقتصادی اسرائیل و کردستان نیز بیش مهم است زیرا که اسرائیل عمده نفت خود را از کردستان تهیه می‌کند (Why Does Israel Support an Independent Iraqi Kurdistan?, 2017).

کوزوو: ویسار یمری، رهبر بزرگترین حزب اپوزسیون، گفت: «هیچ‌کس حق ندارد مردم کرد را از استقلال و زندگی در آزادی و صلح در همبستگی با دیگر مردم جهان، محروم کند». **حزب کارگران کردستان:** جمیل بایک، رهبر پ‌ک‌ک، گفت: «همه‌پرسی دموکراتیک یک حق طبیعی برای مردم است و کسی نمی‌تواند آن را متوقف کند» **کاتالونیا:** آرتور ماس، رهبر حزب دموکراتیک اروپایی کاتالان و رئیس‌جمهور سابق کاتالونیا، گفت از رفراندوم استقلال کردستان حمایت می‌کند و از رهبری اقلیم برای دفاع از دموکراسی قدردانی کرد. ۳۲

نتیجه گیری

اعمال حق تعیین سرنوشت دارای پیچیدگی‌های بسیاری است. بیش از ۶۰ سالی که از پیدایش منشور ملل متحد و به رسمیت شناخته شدن اصل حق تعیین سرنوشت در این منشور می‌گذرد، مفهوم این اصل دچار تحولاتی گردیده است قلمرو شمول آن توسعه یافته و درباره نحوه اعمال آن نیز برداشته‌های تازه‌ای پدیدار شده است. اصل تعیین سرنوشت بویژه پس از تحولات دهه ۱۹۹۰ وارد دوران نوینی گردیده است. در این عصر نوین دیگر نمی‌توان اهمیت بنیادین و پایه‌ای این اصل را انکار کرد و در برابر آن ایسادی کرد. همچنین استناد به اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها و صلاحیت انحصاری حاکمیت دولت‌ها نیز برای گریز از این اصل امکان‌پذیر نیست. با این وجود چون عصر استعمارزدایی هم پایان یافته و تجزیه طلبی و کوچک شدن دولت‌ها نیز پیامدهای ناگواری برای صلح و امنیت بین‌المللی و وضعیت حقوق بشر داشته است، این اجماع بوجود آمده که اعمال حق تعیین سرنوشت نباید مجوزی برای جدایی خواهی و تجزیه و حتی تضعیف وحدت یک کشور باشد.

با توجه به مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت که در حقوق بین‌الملل، اصل حق تعیین سرنوشت فقط شامل مردمان تحت استعمار، اشغال خارجی یا رژیم آپارتاید است که اقلیم کردستان مشمول این موارد سه‌گانه نیست، اما در مورد جدایی چاره‌ساز، باید گفت که این نظریه بخشی از دکتترین و در حد نظریه بوده و جزء قواعد حقوق بین‌الملل نیست. شاید در آینده این دکتترین به یک عرف بین‌المللی تبدیل شود. از طرفی دیگر، اقلیم کردستان در شرایط فعلی عراق در معرض نسل‌کشی یا جنایت علیه بشریت قرار ندارد بلکه از خودمختاری نیز برخوردار است. بنابراین حتی مشمول نظریه جدایی چاره‌ساز هم نمی‌شود لذا در

شرایط کنونی به نظر می‌رسد حق تعیین سرنوشت از جنبه خارجی و به معنی جدایی طلبی تنها مصداق بیرونی آن فلسطین و صحرای غربی می‌باشد و دولت مرکزی عراق می‌توانست از برگزاری رفراندوم جلوگیری کند و همچنین مانع سایر اقدامات تجزیه طلبانه اقلیم کردستان شود. البته در این حالت دولت مرکزی مکلف است مقررات حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را در خصوص شهروندان کرد خود رعایت کند.

از آنجا که اقلیم کردستان تحت حکمت دولت اشغالگر یا استعماری و یا آپارتاید نبوده و همچنین سرزمینی غیر خودمختار نمی‌باشد، و نیز مخالفت‌های مکرر دولت مرکزی (فدرال) عراق با برگزاری همه‌پرسی و اقدام برای جدایی، و با توجه به موارد ذکر شده در بالا، اقدام برای جدایی نزد مردمان اقلیم کردستان عراق، غیرقانونی و خلاف حقوق بین‌الملل تلقی می‌گردد.

حقوق بین‌الملل هیچ رویه ثابتی که مورد قبول همه کشورها باشد، در مورد حق تعیین سرنوشت ملت‌ها از طریق اعلام استقلال ندارد. نمی‌توان با استفاده از رویه‌های حقوق بین‌الملل حق اقلیم کردستان عراق برای برگزاری همه‌پرسی را رد یا تایید کرد. نتیجه تمام بحث‌هایی که در مورد وضعیت حقوقی حق تعیین سرنوشت یکجانبه شده است، تمام موضوع به بحث «شنا سایی» از سوی جامعه بین‌الملل خلاصه می‌شود. که این امر در رابطه با اقلیم از جانب جامعه بین‌المللی اصلاً صورت نگرفته است و از طرف سازمان‌ها بین‌المللی (سازمان ملل، شورای امنیت، اتحادیه اروپا) بر وحدت حاکمیت و تمامیت ارضی عراق تاکید شده است.

از سویی با توجه به اینکه استقلال کردستان از منظر قانون اساسی عراق و حقوق بین‌الملل و جاهت قانونی ندارد، چرا که اجرای وجه خارجی حق تعیین سرنوشت توسط کردها نه تنها یکپارچگی سرزمینی عراق، بلکه اصل تمامیت ارضی را در حقوق بین‌الملل نشانه رفته است، کردهای عراق با جمعیتی نزدیک ۶ میلیون و اقتصاد ۲۳ میلیارد دلاری توانسته‌اند بسیاری از وجوه حق تعیین سرنوشت را در یک دهه گذشته اعمال کنند؛ مردم اقلیم توانسته‌اند ابعاد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی حق تعیین سرنوشت را اجرایی کنند و دیگر بنظر می‌رسد استقلال و جاهتی نداشته باشد.

با توجه به اصل تعیین سرنوشت و حاکمیت ارضی جامعه جهانی در شرایط کنونی با جدایی طلبی خارج از شرایط پذیرفته شده (اشغال، استعمار، آپارتاید) تمایلی به پذیرش سایر صور ندارد و در قضیه اقلیم این رویه بار دیگر نمود یافت و این نشان از نوعی اجماع جهانی بر عدم شنا سایی و وضعیتی همچون اقلیم کردستان می‌دهد و به نظر نمی‌رسد بتوان در آینده‌ای نزدیک شاهد پذیرش این نوع جدایی طلبی در حقوق بین‌الملل چه در منابع معاهداتی و یا عرفی باشیم.

منابع

۱. اخوان خرازیان، مهناز (۱۳۸۶). «تحول حق تعیین سرنوشت در چارچوب ملل متحد»، مجله حقوقی، مرکز امور حقوقی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۳۶.
۲. افاضاتی، ندا (۱۳۹۱). بررسی اصل حق تعیین سرنوشت (مورد کشمیر)، استاد راهنما، حبیبی مجنده، حقوق بین‌الملل دانشگاه قم، قم.
۳. امیدی، علی (۱۳۸۵). قبض و بسط مفهومی حق تعیین سرنوشت در حقوق بین‌الملل، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوق بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۳۵، صص ۲۲۵-۲۵۰.

۴. برانلی، ایان (۱۳۸۳) حقوق بین الملل در واپسین سالهای قرن بیستم، ترجمه صالح رضایی پیش رباط، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۵. بوژمهرانی، حسن؛ پور اسلامی، مهدی (۱۳۹۲). تهدیدهای نرم خودمختاری اقلیم کردستان عراق و تاثیر آن بر کردهای ایران، دوفصلنامه علمی-پژوهشی جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳. صص ۸۷-۱۱۰.
۶. بهمنی فاجار، محمدعلی، همه پرسی کردستان از دیدگاه حقوق بین الملل نامشروع است، (۱۳۹۶/۷/۱۰) قابل مشاهده در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1972049>
۷. تیجل، جوردی (۱۳۹۵)، کردهای سوریه، مترجم: صداقت حیاتی، تهران: نگاه معاصر، چاپ اول.
۸. جمالی، حمیدرضا؛ خامسی پور، حسین (۱۳۹۴)، پاییز. الحاق کریمه به فدراسیون روسیه از منظر حقوق بین الملل، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، شماره ۲۴، صص ۵۸-۲۵.
۹. حدادی، مهدی؛ کریمی، سیامک (۱۳۹۴)، زمستان. نقض حقوق بشر و جدایی طلبی: رویکرد انتقادی به نظریه جدایی چاره ساز در حقوق بین الملل، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۵، شماره ۴، ۷۳۶-۷۱۵.
۱۰. حمیدی، میلاد، جدایی طلبی و استقلال طلبی در حقوق بین الملل (۱۳۹۴/۴/۱۰)، قابل مشاهده در: <http://www.iail.ir>
۱۱. زمانی، سید قاسم (۱۳۹۲). جامعه بین المللی و حقوق بین الملل در قرن ۲۱، چاپ اول، تهران: انتشارات شهر دانش.
۱۲. زمانی، مسعود؛ نیکویی، مجید (۱۳۹۵) «حق تعیین سرنوشت: بررسی جدایی کریمه از اوکراین از منظر حقوق بین الملل و حقوق داخلی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۷۳.
۱۳. سیفی، جمال (۱۳۷۴). تحولات مفهوم حاکمیت دولتها در پرتو اصل تعیین سرنوشت ملتها، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، از پاییز ۷۳ تا تابستان ۷۴، صص ۲۳۹-۲۶۵.
۱۴. سیفی قره یقاق، داود، همه پرسی استقلال کردستان از دیدگاه حقوق بین الملل مشروعیت ندارد (۱۳۹۶/۶/۳۰)، قابل مشاهده در : <http://www.farsnews.com/> ۱۳۹۶۰۶۲۹۰۰۲۰۴۵
۱۵. ضیایی بیگدلی، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۶). آراء و نظریات مشورتی دیوان بین المللی دادگستری، جلد پنجم، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۶. ضیایی، یا سر (۱۳۸۹). شنا سایی در حقوق بین الملل: آثار حقوقی شنا سایی کوزوو، او ستیای جنوبی و آبخازیا، مجله پژوهشهای حقوقی، شماره ۱۷، نیمسال اول، (۱۱۵-۱۴۴).
۱۷. ضیایی، یاسر (۱۳۹۰، بهار). جدایی طلبی در حقوق بین الملل تقابل حق تعیین سرنوشت مردم و اصل احترام به تمامیت ارضی کشورها، فصلنامه پژوهش حقوق، سال سیزدهم، شماره ۳۲، ۲۳۱۰-۲۶۲.
۱۸. ضیایی، یاسر (۱۳۹۲). جدایی طلبی در حقوق بین الملل، تهران: انتشارات شهر دانش، چاپ اول.
۱۹. عزیزی، ستار (۱۳۸۵)، حمایت از اقلیتها در حقوق بین الملل، تهران: نورعلم.
۲۰. عزیزی، ستار (۱۳۸۸). رویکرد متعارض دولتها به حق تعیین سرنوشت خارجی (بررسی نظریات کتبی دولتها در قضیه رای مشورتی کوزوو)، مجله پژوهشهای حقوقی، شماره ۱۶، نیمسال دوم ۱۳۸۸، ۱۵۹-۱۳۳.

۲۱. قاری سید فاطمی، محمد (۱۳۸۸). حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر یکم؛ درآمدی بر مباحث نظری؛ مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع، تهران: شهر دانش.
۲۲. کردپور، اسعد (۱۳۸۴). بررسی ابعاد حقوقی و جنایی کشتار مردم حلبچه در کردستان عراق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، استاد راهنما محمد علی اردبیلی.
۲۳. کردونی، ندا، آیا برگزاری رفراندوم در کردستان خلاف حقوق بین الملل است؟ (۱۳۹۶/۷/۶) قابل مشاهده در: <http://www.khabaronline.ir/detail/World/middle-east۷۱۱۸۳۹>
۲۴. مک داوول، دیوید (۱۳۸۰)، تاریخ معاصر کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، انتشارات پانید، چاپ اول.
۲۵. موسوی، مهدی (۱۳۹۲). حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین، انتشارات خرسندی، چاپ اول.
۲۶. موسی زاده، رضا، (۱۳۹۲)، بایسته‌های حقوق بین الملل عمومی، چاپ بیست و چهارم، تهران: انتشارات میزان،
۲۷. موسی زاده، علیرضا (۱۳۸۸). جاودانی مقدم، مهدی؛ جایگاه استراتژیک کردستان عراق در سیاست خارجی اسرائیل و الزامات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری (دانشنامه حقوق و سیاست)، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، دوره ۵، شماره ۱ (پیاپی ۱۱)، بهار و تابستان ۱۳۸۸، صص ۲۰۱-۲۲۳.
۲۸. مولایی، یوسف (۱۳۹۳). «حق تعیین سرنوشت؛ از ادعای سیاسی تا مطالبه حقوقی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۷، شماره ۳.
۲۹. نصیری لاریمی، رضا، (۱۳۹۳). «تقابل حق دعوت به مداخله دولت حاکم و حق تعیین سرنوشت داخلی مردم در حقوق بین الملل»، فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد، دوره ۷، شماره ۲۵.
۳۰. سیاست، یک شب ناگهان می آیم. روزنامه همدلی، سه شنبه، ۴ مهر ۱۳۹۶، سال سوم، شماره ۷۰۳، قابل مشاهده در: <http://hamdelidaily.ir/archive/pdf۳/۰۴/۰۷/۱۳۹۶>
۳۱. ۴ Key Points About the Kurdistan Independence Vote, available in: <https://www.forbes.com/sites/ellenwald/2017/09/19/4-key-points-about-the-kurdistan-independence-vote/#d34f6fb6ec9f>
۳۲. Beigbeder, Yves (2011). Referendum, Product: Max Planck Encyclopedia of Public International Law [MPEPIL], (June 2011) available from: <http://opil.ouplaw.com/view/10.1093/law:epil/9780199231690/law-9780199231690-e1088>
۳۳. Cassese, Antonio (1997). Self-Determination of peoples: A legal Reappraisal, Cambridge University Press, 1995.
۳۴. China says supports Iraq's unity as Kurds vote in referendum, (September 25, 2017), available in: <https://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-kurd-china/china-says-supports-iraqs-unity-as-kurds-vote-in-referendum-idUSKCN1C00V8>
۳۵. Crawford, James (1997). State Practice and International Law in Relation to Unilateral Secession, available From: <http://www.tamilnation.org/selfdetermination/97crawford.htm>

- Crawford, Jeams (2000). *Stare Practice and International Law in Relation to Unilateral*. ٣٦
 F. Bayefsky (ed.), *Self-Determination in International Law: Quebec and Secession in A*
 ٢٠٠٠, Lessons Learned
- Oballance, Edgar (1996). *The kurdish struggle*, ST. Martins press. INC. USA. ٣٧
- Gajkhan en, Iker (2015). *Sovereignty Referendums in International and Constitutional*. ٣٨
Law, Springer.
- Gunter, Michael M (2010). *Historical Dictionary of the Kurds*, Scarecrow Press; 2 editions. ٣٩
 (November 4, 2010. Second edition
- ICJ Report. *Advisory Opinion of 16 October 1975, Western Sahara*. ٤٠
- ICJ Report. *ADVISORY OPINION OF 21 JUNE 1971, Legal Consequences for States of*. ٤١
the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding
Security Council Resolution 276 (١٩٧٠).
- ICJ Report. *Judgment of 30 June 1995, East Timor (Portugal v. Australia)*. ٤٢
- Iraq and the EU, available in: https://eeas.europa.eu/headquarters/headquarters-homepage_en/690/Iraq%20and%20the%20EU ٤٣
- Iraq's Constitution of 2005. ٤٤
- Kurdish referendum a double-edged sword for Russia, available in: <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2017/09/iraq-kurdistan-referendum-double-edged-sword-russia-baghdad.html> ٤٥
- Maguire, Amy (2009). *The Right of Self-Determination for Indigenous Peoples in*. ٤٦
Australia, A submission to the National Human Rights Consultation, 2009
- Ozoglu, Hakan (2004). *Kurdish Notables and the Ottoman State: Evolving Identities,*. ٤٧
Competing Loyalties, and shifting Boundaries, State University of New York press.
- Statement by High Representative/Vice-President Federica Mogherini on the proposed ٤٨
 Kurdish referendum in Iraq (19/09/2017), available in:
https://eeas.europa.eu/headquarters/headquarters-homepage/32450/statement-high-representativevice-president-federica-mogherini-proposed-kurdish-referendum_en
- The Gulf Arab Countries and the Kurdish Referendum (Oct 4, 2017), available in: ٤٩
<https://worldview.stratfor.com/article/gulf-arab-countries-and-kurdish-referendum>
- UK opposed referendum on independence of Iraqi Kurdistan, (January 1, 2018), available ٥٠
 in: <https://frontnews.eu/news/en/13436/UK-opposed-referendum-on-independence-of-Iraqi-Kurdistan>
- UN chief voices concern over 'potentially destabilizing effects' of Kurdish referendum. ٥١
 Available in: <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=57731#.Wl7w-jQQ8dU>
- UN Doc. A/50/49, 1995. ٥٢
- UN Doc. A/Res/1514. (14 December 1960), *Declaration on the Granting of Independence* ٥٣
to Colonial Countries and Peoples.
- UN Doc. A/RES/25/2625 (24 October 1970), *Declaration on Principles of International* ٥٤
Law concerning Friendly Relations and Co-operation among States in accordance with the
Charter of the United Nations.
- UN Doc. A/RES/47/135 (18 December 1992), *Declaration on the Rights of Persons* ٥٥
Belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities.

UN Security Council opposes Kurdish independence vote (2017-09-22), Available in: .۵۶
<http://www.france24.com/en/20170922-united-nations-security-council-says-opposes-kurdistan-iraq-independence-vote>

UN Security Council opposes Kurdish referendum (22.09.2017), available in: .۵۷
<http://aa.com.tr/en/americas/un-security-council-opposes-kurdish-referendum/916445>

UN, G.A. Res. No 2200A (XXI) of 16 Dec. 1966, International Covenant on Economic, .۵۸
Social and Cultural Rights.

UN. Doc. A/6316 (1966). International Covenant on Civil and Political Rights 1966. .۵۹

UN's Guterres urges Kurds in Iraq to scrap referendum (18 Sept 2017), available in: .۶۰
<http://www.aljazeera.com/news/2017/09/guterres-urges-iraqi-kurds-scrap-referendum-170917223002535.html>

Why Does Israel Support an Independent Iraqi Kurdistan? (24 September 2017), available .۶۱
in: <https://www.telesurtv.net/english/news/Why-Does-Israel-Support-an-Independent-Iraqi-Kurdistan--20170923-0023.html>

